

نیم قرن پس از مرگ چه گوارا



روستای لا ایگرا، بولیوی

روستایی در بولیوی آنچنان یاد و خاطر او را زنده نگه داشته، که گویی همین دیروز بود. پنجاه سال پیش چه گوارا در مدرسه ای در روستای لا ایگرا از توابع بولیوی به قتل رسید. مردم این روستا یاد آن روز را چنان در خاطر دارند، که انگار همین دیروز بوده است. ایرما روسالس یکی از اهالیان روستا که سالهاست آنجا مغازه کوچکی دارد، عکس های زیادی از گوارا نگه داشته است، او می گوید روزیکه به اینجا آمد موهایش بلند و چرب بود، لباس هایش آنقدر کثیف بود که انگار در مکانیکی کار می کرد. این زن لحظاتی پیش از مرگ برایش کاسه سوپی برده بود، قبل از آنکه صدای گلوله شنیده شود و همه چیز برای همیشه به پایان برسد.



مجسمه یادبود چه گوارا، روستای لا ایگرا، بولیوی، جائیکه در سال ۱۹۶۷ به قتل رسید



مدرسه ای که چه گوارا در آن به قتل رسید، لا ایگرا، بولیوی، بعد از آن دیگر هیچ کلاس درسی اینجا تشکیل نشد، و هم اکنون به موزه تبدیل شده



پس از گذشت نیم قرن از مرگ گوارا، پزشک آرژانتینی، کسیکه جنگجویان چریکی را از کوبا تا کنگو رهبری کرد، در مقابل ایالات متحده در زمان حمله به خلیج خوک ها در کوبا ایستاد و جنگید. همان زمانیکه در مقابل سازمان ملل نظم نوین جهانی را مطرح کرد که متاثر از آنها نیست که بارها توسط ابر قدرت ها به حاشیه رانده شده اند.

زندگی پر فراز و نشیب گوارا با افسانه ای که با مرگش به وجود آورد به پایان رسید. تصویر او با ریش های نامرتب، کلاهی با ستاره ای رو آن همگی در یک کارت پستال انقلابیون خلاصه شدند که در سراسر دنیا در میان نسل های مختلف، همه جا دیده می شود از اردوگاه های جنگلی نظامیان گرفته تا اتاق های خوابگاه های دانشجویی.

در روستای لا ایگرا، بولیوی، هنوز هم می توان ردپای او را دید، صحنه کوتاه و خونین مرگ او در این کنج کوهستانی فراموش شده که پای جنگ برای مدت کوتاهی به آنجا کشیده شد، هنوز هم زنده است. همانطوریکه آمریکای لاتین مرگ گوارا را به یاد می آورد، این منطقه نیز با ادامه جنبش های چپگرایانه که از او الهام می گیرد یاد او را زنده نگه می دارد. جنبش سوسیالیستی هوگوچاوز رئیس جمهور ونزوئلا منجر به توسعه آموزش و پرورش و خدمات بهداشت و درمان شد اما از سوی دیگر کشور را به ورطه گرسنگی، ناآرامی و دیکتاتوری کشید. حتی کوبا، با وجود اینکه سال ها با افتخار زیر سایه پرچم انقلابی گوارا زندگی کرده، امروز آینده مبهمی را در سیاست های خارجی اش با ایالات متحده آمریکا، پیش روی خود می بیند. بولیوی یکی از آخرین دموکراسی های آمریکای لاتین است که همچنان در جناح چپ باقی مانده است.

تصاویری از چه گوارا بر روی دیوارهای این مدرسه نقاشی شده است

در آخرین سال های زندگی، اطلاعات دقیقی از اینکه کجاست در دست نبود، و به یک معمای پیچیده برای همه تبدیل شده بود. پس از نظارت بر جوخه های شلیک که منجر به پیروزی کمونیست ها شد، موجبات امنیت در کوبا را بالا برد، و پس از مدتی که اداره بانک مرکزی این کشور را برعهده داشت، گوارا ناگهان در سال ۱۹۶۵ ناپدید شد، در واقع فیدل کاسترو او را برای سازماندهی انقلابی به خارج از کشور اعزام کرد، به یک مأموریت شکست خورده در کنگو، از آن پس به خانه های مختلف امن در شهرها یی مانند دارالسلام و پراگ می رفت. در آن زمان گفته می شد که فیدل او را کشته است، بعضی ها می گفتند که در سانتادومینگو کشته شده، اما حقیقت این بود که کسی نمی دانست واقعا کجاست.



لباسشویی بیمارستان، جاییکه بدن چه گوارا پس از دستگیری به نمایش گذاشته شد، هم اکنون به بنای یادبود تبدیل شده است



کنند و اموالشان را با خود می برند، به همین دلایل نه تنها هیچ کس از آنها استقبال نکرد، بلکه حتی همان روز شهردار به مقامات خبر داده بود که چریکی ها به روستا رسیده اند. به دنبال آن ارتش به آنجا آمد و گروه چریکی ها را محاصره کرد، هرچند خود را برای مقابله با چریکی که آن منطقه را به خوبی می شناخت ناتوان می دانستند، به همین دلیل به زودی کمک هایی از ایالت متحده دریافت کردند، و عوامل آژانس اطلاعات مرکزی که مشتاقانه منتظر دیدن مرگ گوارا بودند به آنها پیوستند. گوارا به خاطر تاکتیک های نظامی خود در پیروزی کاسترو در کوبا تحسین شده و کتاب راهنمای جنگ چریکی را منتشر کرده است که هنوز هم سرمشقی برای انقلابیون در سراسر جهان است. با این وجود در بولیوی مرتکب اشتباهاتی شد،

در حالیکه گوارا در سراسر جهان شناخته شده بود، این شهرت چندان محبوبیتی برایش میان روستائیان نیاورده بود. کشور پیش از این، یک دهه با انقلاب دست و پنجه نرم می کرد، که از جمله دست آوردهای آن توسعه آموزش و پرورش، برگزاری انتخابات عمومی و اصلاحات ارضی را می توان نام برد، اما هیچ سند و مدرکی دال بر اینکه در این دوران، که گوارا برای بولیوی می جنگید، یک دهقان به صفوف او پیوسته باشد در دست نیست. هیچ یک از اهالی روستا انتظار این را نداشت که شاهد این رویداد تاریخی باشد. از طرفی چریکها شهرت خوبی میان آنها نداشتند. تمام روستائیان با آمدن آنها به کوهستان فرار کردند، از ترس اینکه مبادا آنها را وادار به پیوستن به صفوف انقلابیون کنند. اینچنین می گفتند که چریکها رفتار خوبی با مردان ندارند، زنانشان را تصاحب می



بدن چه گوارا، قهرمان انقلابیون آمریکای لاتین، در بولیوی ۱۹۶۷، به نمایش عموم گذاشته شد، او را به صورت محرمانه دفن کردند، سی سال بعد بقایای جسد او را یافتند و به کوبا آوردند



با این وجود در بولیوی مرتکب اشتباهاتی شد، پایگاه‌هایی را تاسیس کرد که در موقعیت دفاعی ضعیفی قرار داشتند، نیروهایش را تقسیم کرد و عکس‌هایی از آنها در همه جا پخش شد که بعدها به عنوان سرنخ‌هایی علیه شان استفاده شد. گوارا در آخرین صفحات دفترچه خاطراتش اینگونه می‌نویسد که با پیرزنی که بزهایش را به چرا آورده بود مواجه شد، از او در مورد سربازان آن حوالی اطلاعات گرفت، به او ۵۰ پزو میدهد و از او می‌خواهد که کسی از این موضوع چیزی نفهمد هر چند امیدی هم نداشت که پیرزن سر قولش بماند. پس از دستگیری گوارا، او را به مدرسه‌ای که در روستا وجود داشت بردند، به سختی می‌توانست حرف بزند. بعد از مرگ گوارا در آن مدرسه دیگر کلاسی دایر نشد، و بعدها تبدیل به موزه شد. جائیکه ارنستو چه گوارا به قتل رسیده بود.

